

Corona and Secularism: Analysis of the Relationship Original Research between Religion, Science and Politics in the Face of the Covid-19 Crisis in Iran

Akram Hamidian *

Assistant Professor of Sociology, Payam Noor
University, Tehran, Iran

Abstract

The epidemic corona disease has surrounded worldwide for several mounts. However, in this short period of time, it has left very significant social, economic, political and even cultural impacts on all communities that affected by this disease. In this paper, it is tried to analyze the effect of corona disease on the religion in Iran, through qualitative and participatory observation method. Trend analysis of the corona's prevalence and observation of the actions of social agents showed that this disease has had significant effects on the socio-religious actions of agents, the political legitimacy of the government and cultural changes in the field of religion. According to strong interconnectedness of religion and politics in Iran, it can be said that the physiological and medical challenge of Covid 19 has led to a political-religious challenge for the government. Also despite the lack of security conditions based on the vital emergency, visible changes are taking place in the process of changing from religious beliefs to customary values.

Keywords: Covid 19, Religion, Survival Values, Expression Values, Secularization, Power.


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* Corresponding Author: hamidian@pnu.ac.ir

How to Cite: Hamidian. A. (2022). Corona and Secularism: Analysis of the Relationship Original Research between Religion, Science and Politics in the Face of the Covid-19 Crisis in Iran, *Quarterly Journal of Social sciences*, 28(95), 183-214.



کرونا و سکولاریسم: تحلیل رابطه مذهب، علم و سیاست در مواجهه با بحران بیماری کووید ۱۹ در کشور ایران

اکرم حمیدیان *  استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

چندین ماه از شیوع بیماری اپیدمی‌ک کرونا در سطح جهان می‌گذرد با این حال در همین مدت کوتاه تأثیرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی بارزی در همه جوامع درگیر با این بیماری بر جای گذاشته است. در این مقاله سعی شده به روش کیفی و مشاهده مشارکتی تأثیر این بیماری بر مقوله مذهب در کشور ایران مورد تحلیل قرار گیرد. تحلیل روند شیوع بیماری کرونا و مشاهده کنش‌های کنشگران اجتماعی، نشان داد این بیماری بر کنش‌های اجتماعی - مذهبی کنشگران، مشروعیت سیاسی دولت و تغییرات فرهنگی در حوزه دین تأثیرات نمایانی داشته است. با توجه به پیوستگی شدید دین و سیاست در کشور ایران، می‌توان گفت چالش فیزیولوژیکی و پزشکی کووید ۱۹ منجر به چالش سیاسی - مذهبی برای حکومت گردیده است و علیرغم نبود شرایط امنیت وجودی، بر اساس اضطراب حیاتی، تغییرات مشهودی در سیر تغییر از ارزش‌های دینی به ارزش‌های عرفی در حال شکل‌گیری است.

کلیدواژه‌ها: کووید ۱۹، مذهب، ارزش‌های بقاء، ارزش‌های ابراز وجود، غیردینی شدن، قدرت.

مقدمه و طرح مسئله

بیش از شش ماه از ورود مهمان ناخوانده، ویروس کووید ۱۹ به ایران می‌گذرد؛ مهمانی که با ورود خود تغییرات وسیعی در حوزه‌های مختلف جامعه اعم از اقتصاد، سیاست و فرهنگ بر جای گذاشته است و پیش‌بینی می‌شود در آینده منجر به تغییرات وسیع‌تری گردد. کشور ایران در تاریخ خود تجربه‌های چندی از شیوع بیماری‌های همه‌گیری چون وبا و طاعون داشته است. هر تجربه منجر به تغییرات فرهنگی و اجتماعی شده است. به‌طور نمونه در دوره قاجار، بهداشت عمومی بسیار پایین و دسترسی به دارو و درمان دشوار بود. این امر سبب شد تا مبلغین مذهبی مسیحی سعی کنند در شهرهای مختلف ایران در کنار تأسیس مراکز درمانی و تربیت کادر پزشکی به تبلیغ دینی هم بپردازند؛ به‌ویژه زنان راهبه دندان‌پزشک و ماما و پرستار با ورود به منازل به تبلیغ پروتستان می‌پرداختند (Hajianpoor & Bineshifar, 2016: 98). در همین دوره با وجودی که در زمان حکومت فتحعلی شاه اولین واکسیناسیون یا مایه کوبی آبله توسط جان کرمیک پزشک انگلیسی صورت گرفت، همچنان مقاومت‌های فرهنگی زیادی در مقابله با واکسیناسیون وجود داشت. فال‌گیرها و دعانویس‌ها شایعه کرده بودند واکسن زدن موجب می‌شود جن به خون انسان راه یابد و امیرکبیر مجبور شد ضمانت اجرایی برای این قانون بگذارد که هر کس از اولیای اطفال در این امر کوتاهی کند، باید ۵ تومان به دولت جریمه بپردازد (Shahriv & Newspaper.N, 668). مورد تاریخی فوق در عین شباهت به شیوع کرونا در سال ۲۰۲۰، تفاوت بارزی با آن دارد. در آن زمان امیرکبیر در پی گسترش علم و مقابله با خرافه‌گرایی در امور مملکتی بود و این امر سبب نارضایتی گروه‌های خاصی چون دعانویس‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها در جهت شکست برنامه‌های دولتی بود؛ اما امروزه کشور از لحاظ بهداشت، علم و رابطه دولت و دین با روزگار امیرکبیر تفاوت بسیار دارد.

درگیری بیماری همه‌گیر و جهانی کرونا در سال ۲۰۲۰ به‌جز چند کشور معدود، همه دولت‌ها را دچار چالش‌های بسیاری کرده است. این بیماری به‌واسطه نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی تأثیر و افری بر عملکرد دولت‌ها گذاشته است و در برخی موارد نیز

منجر به بحران‌های مشروعیت در حکومت‌ها گردیده است. دولت‌های لیبرال در برابر بحران ویروس کرونا شکست خوردند؛ زیرا تمام دستاوردهای لیبرال دموکراسی یعنی رفاه و آزادی هر دو تحت‌الشعاع ویروس کرونا قرار گرفت (Sheykhzadeh, 2019: 57). در خاورمیانه بحران کرونا منجر به تقویت اقتدارگرایی در نظام‌های پادشاهی، گسترش گرایش‌های ناسیونالیستی، تعمیق شکاف دولت و ملت شده است (Hazrati Razlighi et al., 2021). در کشورهای مسلمان که پیوند نزدیکی بین قدرت و دین وجود دارد، مذهب با علم سنتی و دینی در کنار یا در تقابل با پزشکان دارای علم نوین به‌عنوان درمانگر وارد عرصه شده‌اند. در ایران نیز افزون بر بحران‌های اقتصادی، روانی و اجتماعی، در حوزه مذهب و سیاست نیز چالش‌های مذهبی سیاسی ایجاد شده است. نظر به اهمیت موارد مذکور، مقاله پیش رو سعی دارد با روش کیفی و بر اساس نظریه‌مبنایی به این سؤال‌های کلیدی پاسخ دهد که: آیا بیماری کرونا منجر به تغییر روابط چندگانه دولت، دین و مردم شده است؟ اگر آری، این تغییر در چه جهتی بوده است؟ آیا واقعاً ویروس کووید ۱۹، ویروسی دگرگون‌کننده است و نظم غالب را به چالش کشیده است؟

ضرورت و هدف تحقیق

بر اساس روزشمار پاندمی کووید ۱۹، کشور ایران در ۳۰ بهمن ۱۳۹۸ دقیقاً ۵۰ روز پس از اولین گزارش مرتبط با بیماری کرونا در کشور چین، ورود این بیماری به کشور را با گزارش ابتلای دو بیمار در بیمارستان مسیح دانشوری اعلام کرد. روند گسترش و شدت آثار اجتماعی این بیماری چنان سریع و بالا بود که نقطه عطفی در مباحث علمی و اجتماعی شد: دوران قبل از کرونا و دوران پسا کرونا.

علوم مختلف از جنبه‌های مختلف به اثرات بیماری کرونا پرداختند. علوم اجتماعی نیز مدخل جدیدی تحت عنوان دوره پسا کرونا گشودند و به تغییرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این بیماری و بحران متعاقب آن پرداختند. از مهم‌ترین تأثیرات فرهنگی کرونا، تغییرات نگرشی و ارزشی و حتی سبک زندگی است. از جمله مهم‌ترین نگرش‌ها و ارزش‌ها می‌توان به نگرش و ارزش‌های دینی اشاره کرد. با توجه به ساختار فرهنگ

اسلامی جامعه و نوع حکومت دینی، تغییر در این بعد می‌تواند منجر به تغییرات وسیع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شود. از این رو تحلیل و بررسی اثرات بحران کرونا بر تغییرات ارزشی و به‌طور خاص در مورد دین و رابطه دین و سیاست بسیار ضروری است. اهداف اصلی تحقیق اکتشافی پیش رو عبارت‌اند از: ۱- بررسی کیفی تعامل علم نوین و دین در مقابله با بیماری کرونا. ۲- فهم برهم‌کنش دولت و مردم در مقابله با بحران بیماری کرونا. ۳- بررسی پیامد تعاملات و تقابل‌های علم نوین پزشکی، دین، دولت و مردم

تحقیقات پیشین

متأسفانه در زمان اجرای تحقیق حاضر (تیر و مرداد ۱۳۹۹) تحقیقات اجتماعی سیاسی منسجمی در باب تأثیرگذاری و تغییرات اجتماعی فرهنگی و سیاسی بحران کرونا صورت نگرفته بود با این وجود به چند مورد اخیر اشاره می‌شود:

بنترا و بوکرا^۱ (2021) نشان دادند در کشورهای غربی مرگ‌های ناشی از کرونا در بین مهاجران بیشتر است؛ زیرا به دلیل نابرابری‌های قوی اجتماعی به کمک‌های اولیه دسترسی کمتری دارند. به‌طور خاص در فرانسه سرعت گسترش ویروس در محله‌های فقیرنشین بیشتر بود. محققان اصطلاح «آنومی پاندمی» را برای توصیف این عدم تعادل اجتماعی در بحران سلامتی دوران پاندمی کرونا و بحران‌های متأخر آن به کار گرفتند.

حمید و همکاران (2021) معتقدند اسلام ۱۴۰۰ سال پیش نه فقط برای مسلمانان بلکه برای نوع بشر، برای هر مسئله راهکاری داشته است. راهکارهایی مثل تشویق بهداشت شخصی، رعایت فاصله و قرنطینه در صورت لزوم، امید به آینده، سخت‌کوشی، شکیبایی و توکل به خدا. امروزه این راهکارها برای مقابله با کرونا هم پیشنهاد می‌شود.

جمعی از نویسندگان (2020) ایده «حکومت جهانی کرونا» را مطرح کردند و به بررسی اثرات کرونا در حوزه‌های سلامت، اشتغال، روابط بین‌الملل، محیط‌زیست و مهاجرت پرداختند. این نویسندگان معتقدند در شکل حکمرانی جهانی، کرونا باعث ادغام

بیشتر جهان برای گسترش حکومت دیجیتالی شده است تا امکان دسترسی راحت اطلاعات را فراهم آورد و مشارکت دوستانه نمایندگان و متخصصان در شبکه‌های پراکنده جغرافیایی را ممکن سازد و تعاملات دیپلماتیک و مذاکرات را تسریع نماید (The Authors, 2020). میلر (2020) به‌طور ویژه در یک مجموعه مقالات، دلالت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و انسانی کرونا در کشور چین را گردآوری نموده است.

سلطان محمدی (2021) معتقد است معنویت می‌تواند در پیشگیری و درمان بیماری کرونا مؤثر باشد به این صورت که با افزایش مهارت و حمایت اجتماعی، خودآگاهی مثبت، تسکین فشارهای عصبی و تغییر نگرش به بیماری و زندگی سبب کاهش اضطراب و تقویت سیستم ایمنی و قلبی عروقی گردد. نعمتی و انصاری (2021) سلامت و زندگی باکیفیت را از حقوق شهروندان و احقاق آن را جمله از وظایف دولت‌ها و مفید در توسعه می‌دانند. محققین در مصاحبه با دهیاران بخش مرکزی شهر همدان این مسئله را بررسی کردند و نتایج بیانگر نقش شایان دولت به‌عنوان حکمران خوب در سلامتی افراد به‌ویژه روستاییان است.

بخش قابل‌ملاحظه تحقیقات مرتبط با کرونا در بخش پزشکی است و یا اثرات اقتصادی. در موارد ذکر شده در فوق مطالعات سلطان محمدی و نعمتی و انصاری به تحقیق حاضر نزدیک‌تر است، اما به لحاظ روش و تأکید مقاله پیش رو بر روابط متقابل دین، سیاست و علم، نگاه جدیدی در باب اثرات ویروس خیلی کوچک کووید ۱۹ ارائه می‌شود.

ملاحظات مفهومی

بیماری و درمان

بیماری از هر نوعی (جسمی، روانی و اجتماعی) یعنی عدم سلامت و برهم خوردن وضعیت مطلوب. بقراط بیماری را از هم‌گسیختگی نظم موجود می‌دانست. در باب علت بیماری جسمی به‌طور خاص می‌توان به چهار عامل اشاره کرد: ۱- محیط زیستی ۲- محیط فیزیکی ۳- محیط اجتماعی و شرایط اقتصادی جمعیت، آداب و رسوم و فرهنگ و ۴- عوامل

اجتماعی و روانی (Mohseni, 1997:62). فارغ از علت، به طور کلی، در درمان بیماری‌ها از سه علم متمایز بهره گرفته می‌شود: ۱- علم، سحر و جادو ۲- طب سنتی که در ایران با دین نیز آمیخته شده و گاهی طب سنتی اسلامی خوانده می‌شود ۳- طب نوین. بنا به نوع جامعه و مرحله رشد فکری بشری، در هر جامعه‌ای یکی از روش‌های درمان غالب است. در جوامع ابتدایی که هنوز در مرحله ربانی و ماورای طبیعی به سر می‌برند مفاهیم بیماری، اجنه و جادو ارتباط تنگاتنگی باهم دارند. در ایران در سال‌های ۵۰۰ بعد از میلاد در دوره ساسانیان بیماری پدیده‌ای تصور می‌شد که بر اثر جادوی مخالفان و یا شور چشمی ایجاد می‌شود. در سواحل جنوبی ایران سیزده زار معروف (یک نوع باد و هوای خارج از شمایل ماده) عامل بیماری‌های خاصی دانسته می‌شد و ابتلای به هر یک از آنها با علائم خاصی شروع می‌شد (Mohseni, 1997:118-120). در میان همه اقوام ایرانی چشم‌زخم عامل بسیاری از حوادث ناگوار و بیماری دانسته می‌شد و راهکار مقابله با آن خواندن آیه «ان یکاد» بود؛ و یا درمان بیماری صرع که عامه مردم تحت عنوان غش و یا جن زدگی می‌شناختند، همراه داشتن دست‌بندهای فلزی از جنس برنج، آهن یا فولاد با علائم جادویی مفید تلقی می‌شد. در طب سنتی نیز علت برخی بیماری‌ها سردی و گرمی طبع و یا غذاها دانسته می‌شود.

در جوامع مدرن توسعه یافته با تفکر اثباتی، علم نوین پزشکی با به حاشیه راندن طب سنتی و سحر و جادو، علم غالب درمان بیماری‌هاست. در حقیقت در مرحله اثباتی رشد فکری بشر، رابطه علم و دین به رابطه‌ای تقابلی تبدیل شده است. دین به ماوراءالطبیعه می‌پردازد و علم به طبیعت. البته همچنان که رابطه طبیعت و ماوراءالطبیعه پویاست رابطه دین و علم نیز پویاست. در قرون وسطی اصول‌گرایی دینی در تقابل با علم بود اما با طرح نظریه تکاملی داروین و جنبش پروتستانی، آزادسازی دینی آغاز شد به طوری که در دو قرن اخیر، دین به موضوع علم بدل شده است و منشأ دین، تکامل دین و مفاهیم دینی در طول زمان موضوع بررسی‌های علمی هستند (Cragun, 2001). در حقیقت دین که زمانی فاعل شناخت بود و از طریق دین علت امور کشف و شناخته می‌شد حالا به موضوع

شناخت تبدیل‌شده و علم اثباتی در پی‌شناخت وضعیت دین‌داری است. در دولت‌های غیردینی دین به امری شخصی بدل شده است، اما در دولت‌های دینی همچنان چالش بین دین و علم وجود دارد.

دین

در تعریفی مفهومی، دین اشاره به گروه‌های وسیع سازمان‌یافته‌ای دارد که وجه اشتراکشان ماوراءالطبیعه و مفاهیمی چون خدا، فرشته و شیطان است (Cragun, 2001). علامه طباطبائی دین را هم به‌منابه روشی برای زندگی دنیوی تلقی کرده و هم به‌عنوان تسلیم شدن انسان در برابر بیانات صادره از مقام ربوبی در زمینه معارف و احکام (Ahmadpour, 2020:346). همه ادیان همواره هم به امور مادی توجه داشته‌اند و هم امور فرامادی و یا آخرت. از این رو صاحب‌نظران دینی چون مجتهد شبستری معرفت دینی را چیزی متفاوت و فراتر از معرفت انسان‌ها می‌دانند و معتقدند اگر معرفت بشری در تقابل معرفت دینی قرار بگیرد اعتبار ندارد (Ahmadpour, 2020:346). در مقابل برخی دین‌پژوهان بر متغیر و عصری بودن خلوص دین و فهم دینی تأکید دارند (Soroush, 2007:177-179). از منظر جامعه‌شناسی، دین به‌عنوان یک نهاد و یک امر مقدس ممکن است کارکردهای مثبت یا منفی در جامعه داشته باشد. به باور کارکردگرایان دین صرفاً دستگامی متشکل از اعتقادات و باورها نیست بلکه دستگامی از کنش‌ها شامل مناسک رسمی و مراسم نمادین برای مشخص کردن گذر از مراحل مهم زندگی و جشن‌های موسمی است. به عقیده دورکیم این مناسک با حفظ همبستگی و انسجام اجتماعی، حفظ نظم و ثبات و از این رو ایجاد منافع جمعی، کارکرد اساسی برای جامعه دارد (Inglehart, 2008:26). در مکتب اسلام نیز دین دارای کارکرد است؛ دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق و قانون‌ها و مقرراتی است که در جهت پرورش انسان و اراده جامعه انسانی کاربرد دارد (Javadi Amoli, 1993:93). در نقطه مقابل، مارکس مذهب را افیون مردم (Marks, 2002:54) و شکل مقدس از خود بیگانگی افراد می‌داند و معتقد است نقد مذهب، نقد جهان پر دردی است که مذهب هاله مقدس آن است (Marks, 2002:54) مارکس آزادی انسان‌های مذهبی به‌طور عام را

عبارت از آزادی دولت از مذهب به طور عام می‌داند (Mark, 2002: 19) و می‌گوید انسان با راندن مذهب از قلمرو عمومی به قلمرو خصوصی، از نظر سیاسی خود را از قید مذهب آزاد می‌کند (Marx, 2002: 124). با این وجود، به طور تاریخی یک دین فراگیر همواره سبب وحدت بین شهروندان یک جامعه می‌شده است.

عرفی شدن یا سکولاریسم

با شروع روشنگری برخی کشورهای اروپایی روند سکولار شدن را آغاز کردند. هرچند گاه پیروان ادیان از چتر دین علیه علم استفاده می‌کنند، اما لزوماً دین مخالف علم نیست و حتی پیروانش را به یادگیری علم تشویق می‌کند. افزون بر روشنگری، در قرون اخیر، با توسعه مدرنیته و جهانی شدن، برخی دولت‌ها برای خنثی کردن اختلافات دینی و آشتی بین شهروندان با ادیان مختلف، رویه سکولاریسم را در پیش گرفتند. در این کشورها سکولاریسم نه تنها علیه مذهب و باور مذهبی نیست بلکه سبب آشتی باورهای مذهبی مختلف در جامعه و آزادی افراد در اجرای مناسک مذهبی می‌شود (Galadari, 2011: 2).

بر اساس تحقیقات صورت گرفته توسط مرکز پژوهشی پیو (2017) از ۱۹۹ کشور جهان ۱۰۶ کشور (۵۳ درصد) نه دین رسمی و نه دین ترجیحی دارند و جدایی کلیسا و دولت برقرار است و سکولار تلقی می‌شوند، تنها ۴۳ کشور (۲۲ درصد) یک دین رسمی دارند که کشور ایران از جمله این کشورهاست^۱. همچنین سایر تحقیقات نشان داده که در سطح روابط بین ملت‌ها و ادیان، جهان به سوی همگرایی فرهنگی پیش می‌رود و تمایزهای بین جوامع در حال کاهش است (Cragun, 2001).

اینگلهارت نیز با اجرای پیمایش‌های جهانی و سنجش‌های کمی نشان می‌دهد با افزایش سطوح امنیت وجودی، مردم کشورهای پیشرفته صنعتی طی ۵۰ سال گذشته به سوی گرایش‌های غیردینی پیشرفته‌اند (Inglehart, 2008: 344). تحقیقات اینگلهارت و

۱. نکته قابل تأمل این که ۸۰ درصد کشورهایی که دین رسمی دارند، مسلمان هستند و در خاورمیانه و شمال آفریقا قرار دارند و عموماً جز کشورهای با سطح پایین و یا متوسط توسعه انسانی هستند.

سایر تحقیقات بیانگر پیوند بین الگوی حکومتی و سطح توسعه انسانی و اقتصادی است. به طوری که علیت دو طرفه‌ای بین دموکراسی و رشد اقتصادی (Ahangari & Rezaie, 2011) و دموکراسی و سطح توسعه انسانی (Bafandeh, Imandoost et al. 2013) برقرار است. بنابر یافته‌های اینگلهارت، رشد امنیت وجودی به ظهور ارزش‌های ابراز وجود می‌انجامد که بر ترجیح آزادی فردی بر نظم جمعی، تنوع انسانی بر هم‌نواپی گروه و استقلال مدنی بر اقتدار دولتی دلالت دارد. رشد ارزش‌های ابراز وجود نیروهای اجتماعی ایجاد می‌کند که به سود دموکراسی عمل می‌کنند و به گذار به دموکراسی در نظام‌های غیر دموکراتیک و کارآمدی آن در نظام‌های دموکراتیک کمک می‌کند (Inglehart, 2010:78).

قدرت

در ادامه بحث رابطه دین، حکومت و علم باید به مفهوم مشترک این سه، یعنی قدرت پرداخت. به عقیده فوکو قدرت اداره‌کننده زندگی از سده هفدهم به بعد به طور عینی در دو شکل اساسی تکمیل و توسعه یافته‌اند: ۱- قطب انضباط‌ها که بر بدن به منزله یک ماشین متمرکز است و سیاست‌های کالبد شکافانه بدن انسان را شامل می‌شود؛ و ۲- قطب دخالت‌ها و کنترل‌های سامان دهنده که بر بدن گونه انسان و سازوکار موجود زنده متمرکز است و سیاست‌های زیست‌شناختی جمعیت را در بر می‌گیرد (Foucault, 2009:160). انضباط فن قدرتی است که رویه‌هایی برای تعدیل یا رام کردن بدن‌ها، چه فردی چه جمعی، فراهم می‌کند. ابزارهایی که قدرت انضباطی به واسطه آن‌ها همه چیز را در چنبره خویش می‌گیرد عبارت‌اند از نظارت سلسله مراتبی، قضاوت هنجار ساز و تجسس. مفهوم نظارت سلسله مراتبی دال بر پیوند میان سلسله مراتبی بودن و قدرت است و دال بر این است که دم‌دستگاهی که برای نظارت و مراقبت طراحی شده، القاکننده آثار و نتایج قدرت است. در مورد قضاوت هنجار ساز باید گفت در بطن نظام انضباطی، قدرت مادون مجازات و مجازات فرا قضایی نهفته است که برای بهبودی رفتارها اعمال می‌شود. در اصل چیزی که مجازات می‌شود ناهم‌نواپی است که اعمال قدرت انضباطی درصدد اصلاح آن

است. انضباط نه فقط از طریق تنبیه و مجازات بلکه افزون بر آن از طریق تشویق و پاداش عمل می‌کند. به این ترتیب انضباط یعنی ترکیبی از فنون نظارت سلسله مراتبی و داوری به هنجار ساز است. افراد از طریق داوری به هنجار ساز طبقه‌بندی و مورد قضاوت قرار می‌گیرند (Barry, 2006:112). بر این اساس توزیع و انتشار سازوکارهای انضباطی در سراسر پیکره اجتماعی از رهگذر چهار فرآیند خاص رخ می‌دهد: ۱- گسترش نهادهای انضباطی ۲- ظهور انضباط مثبت و مولد ۳- نهادینه شدن سازوکارهای انضباطی ۴ سازمان‌دهی دم‌ودستگاه پلیسی (Barry, 2006:117).

دولت‌های امروزی به واسطه داشتن قوه قهریه، کنترل دانش و تکنولوژی و سلطه فرهنگی بیشترین قدرت انضباطی را در جامعه ساری می‌کنند. فوکو حکومت‌پذیری^۱ را شکل مدرن قدرت تلقی می‌کند. حکومت‌پذیری از قرن هجدهم با توسعه سرمایه‌داری ظهور ایده جمعیت و یک رشته از دانش‌ها و تکنیک‌های مربوط به کنترل رشد، بهداشت و باروری ایجاد شد. از نظر فوکو حکومت کردن از طریق نهادهای دولت تنها یک جنبه از استراتژی‌های مربوط به حکومت‌پذیری است. هدایت رفتار به شیوه‌های گوناگون در نهادها و کردارها در سراسر حوزه اجتماعی صورت می‌گیرد (Nash, 2001:45). او حکومت را هدایت رفتار و تلاش برای تأثیرگذاری بر اعمال سوژه‌های آزاد تعریف می‌کند. به‌ویژه در حکومت‌های توتالیتار، دولت بر همه شئون زندگی افراد سایه می‌افکند و انضباط مطلوب خود را از طریق دانش و تکنولوژی برقرار می‌کند. در واقع همچنان‌که فوکو نیز تأکید می‌کند عمومی‌ترین مفهومی که قدرت به واسطه آن مولد می‌شود، دانش است (Ibid:39). دانش، مولد قدرت و در خدمت قدرت است. پیوند تفکیک‌ناپذیری بین این دو برقرار است. فوکو می‌گوید «هیچ رابطه قدرتی نیست که حوزه‌ای از معرفت همبسته خود را ایجاد نکند و هیچ معرفتی نیست که در آن واحد مستلزم و بانی روابط قدرت نباشد» (Barry, 2006:100).

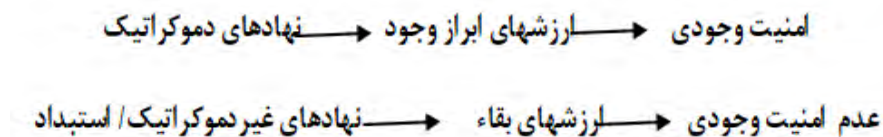
فوکو قدرت را با مبارزات ستیزه جویانه جنبش‌های اجتماعی ارتباط می‌دهد و

استدلال می‌کند یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مبارزات، به چالش کشیده شدن سوژگی توسط آن‌هاست؛ زیرا قدرت افراد را هم به ابژه و هم به سوژه تبدیل می‌کند. سوژه‌ها همواره مطیع شده و در گفتمان‌ها و کردارهای قدرت ساخته می‌شوند (Nash, 2001:40). زمانی که سوژه‌ها مطیع و رام قدرت‌اند، در حقیقت به ابژه تبدیل شده‌اند، ابژه‌هایی که توانایی بالقوه سوژگی‌شان تحلیل رفته و در مقاومت، دوباره فعلیت یافته و نمایان می‌شود. از این رو هر جا قدرت وجود دارد مقاومت هم وجود دارد. جنبش‌های اجتماعی از یک طرف تا حدی بر مبنای ابراز وجود هویت‌های موجود و بر مبنای پذیرش طبقه‌بندی‌های بهنجار و نابهنجاری که در گفتمان‌ها و کردارهای قدرت ایجاد شده‌اند، شکل می‌گیرند و از طرف دیگر گاهی در بردارنده نفی هویت‌های موجودند. جنبش‌ها از یک طرف مدعی برخورداری از حق متفاوت بودن هستند و بر هر چیزی که افراد را حقیقتاً فرد می‌سازد تأکید می‌کنند، اما از طرف دیگر، با هر آنچه فرد را جدا کند، پیوندهایش را با دیگران بگسلد، زندگی اجتماعی‌اش را دچار شقاق کند، مخالف بوده و او را مجبور سازد که به درون خود برگردد و او را به شیوه‌ای محدودکننده به هویت خودش پیوند دهد (Nash, 2001:40). قدرت همواره در خود عنصر مقاومت را دارد، به این دلیل است که حتی مستبدترین حکومت‌ها همیشگی نخواهند بود و بالاخره به سرعت و یا در طولانی‌مدت، توسط عنصر مقاومت، به شکل انقلاب یا جنبش‌های اجتماعی درهم شکسته خواهند شد.

چارچوب مفهومی

طبق نظریه تغییرات ارزش‌های اینگلهارت، علم پزشکی نوین نمایانگر رشد اقتصادی جامعه است. طبقاتی از جامعه که در وضعیت مطلوب اقتصادی به سر می‌برند و به خدمات پزشکی نوین دسترسی بیشتری دارند طبیعتاً از امنیت وجودی بیشتری برخوردارند و به ارزش‌های عقلانی تمایل بیشتری دارد در مقابل طبقات محروم‌تر به ارزش‌های بقا و ارزش‌های دینی تمایل بیشتری دارند. در حکومت مبتنی بر دین نیز ارزش‌های دینی غالب هستند و ارزش‌های دینی نقطه اشتراک حکومت‌های دینی و اقشار محروم و دلیل

حمایت‌های متقابل این دو از یکدیگر می‌باشد.^۱ بر اساس نظریات اینگلهارت^۲ می‌توان دیاگرام علی امنیت وجودی و نهادهای دموکراتیک را به شکل زیر ترسیم نمود.



شکل ۱. رابطه علی بین نهادهای دموکراتیک و امنیت وجودی

Figure 1. Causal relationship between the democratic institutions and existential security

از سوی دیگر بر اساس نظریه قدرت و انضباط فوکو می‌توان گفت جوامع امروزی همگی جوامع انضباطی هستند و حکومت‌ها با شکل‌دهی گفتمان‌ها و استفاده از ابزارهای نظارتی چون دستگاه‌های قضایی و پلیس اعمال قدرت می‌کنند. در حکومت‌های دینی، گفتمان دینی گفتمان غالب حاکمیت است و همه نهادها و ارگان‌ها در راستای ایدئولوژی دینی غالب، اعمال نظم و قدرت می‌کنند. با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت در حکومت‌های دینی، دین رسمی و سیاست هم‌راستا در جهت اعمال نظم و قدرت دینی و حمایت از ارزش‌های دینی عمل می‌کنند. چنین دولت‌هایی اگر داعیه دموکراتیک بودن داشته باشند، به دلیل غلبه دین رسمی و نادیده یا کمتر دیده شدن پیروان سایر ادیان و اقلیت‌های

۱. اینگلهارت در بررسی فرضیه بازارهای دین دریافت که در بسیاری از جوامع فقیر، جایی که دین برای جامعه اهمیت دارد، حاکمان اقتدارگرا سعی دارند با ترویج یا کنترل نهادهای دینی، قدرت و مشروعیت خود را حفظ کنند (Ingelhart, 2004:331).

۲. فرض اساسی اینگلهارت در نظریه نوسازی رابطه بین وضعیت صنعتی و توسعه یافتگی جامعه با ارزش‌های فرهنگی است بر این اساس در جوامع توسعه نیافته، ارزش‌های بقاء غالب هستند، در جوامع صنعتی، ارزش‌های سکولار و عقلانی و در جوامع فراصنعتی، ارزش‌های ابراز وجود. بر اساس این نظریه ارزش‌های حاکم بر جامعه موجب تقاضا برای نهادهای دموکراتیک یا غیر دموکراتیک می‌گردد (رجوع شود به کتابهای مقدس و عرفی - نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی).

غیردینی و یا اپوزیسیون‌ها، دموکراسی کارآمدی نخواهند داشت و یا حتی ممکن است حکومت‌های استبداد دینی شکل بگیرد. با مراجعه به نتایج تحقیقات موسسه پیو، دیده می‌شود از مجموع ۴۳ کشور دارای دین رسمی، فقط در ایسلند و نروژ حکومت‌های دموکراسی با کارآمدی بالا حاکم هستند^۱. با توجه به وضعیت دینی و توسعه‌ای کشورهای مورد مطالعه موسسه مذکور، می‌توان گفت در اکثر موارد بین غلبه دین (رسمی / غیررسمی) و سطوح توسعه رابطه منفی برقرار است.

حکومت‌های مبتنی بر دین، برای صیانت از دین و قدرت خود، سیاست خود را بر دین پایه‌گذاری می‌کنند و می‌کوشند با بهره‌گیری از معرفت دینی و حتی معرفت تکنولوژیکی اعمال نظم و انضباط کنند. در این حالت وجه اشتراک دین و علم، ابزاری بودن و وسیله قدرت قدرتمندان شدن است. نمونه بارز آن بنیادگرایی‌های دینی است که از علم مدرن در جهت اشاعه باورهای دینی خود بهره می‌گیرند. با این حال رابطه دین و علم حداقل به سه عامل بستگی دارد: زمان موردنظر، منافع دین و دیدگاه افراد خاص. (Cragun, 2001)

در مورد کشور ایران در برهه کنونی، امروزه در عصر مدرنیته و پسامدرنیته عرفی شدن دینی الگوی غالب جهانی است، ولی در کشورهای دارای دین رسمی از جمله ایران، منافع حکومت به منافع دین پیوند خورده است و منافع نهاد دین وابسته به حکومت و تأیید و تقویت قدرت حکومت است. پیوند نهادهای دین و حکومت در سطح عینی در پیوند مراجع دینی و مسئولان دولتی قابل مشاهده است. در مورد کنشگران اجتماعی هر چند نقش کنشگری و عاملیت کنشگران اجتماعی متأثر از عناصر جهانی شدن و نظام سیاسی است، کنشگران اجتماعی در عین محصور بودن در نظام سراسر بین انضباط حکومتی به واسطه وجود عامل مقاومت، همواره قدرت ساختارشکنی و ایجاد تغییرات اجتماعی فرهنگی را دارند.

۱. از مجموع ۴۳ کشور دارای دین رسمی ۲۷ کشور دین رسمی اسلام دارند که ۱۰ در کشور حکومت سلطنتی و در ۱۷ کشور حکومت جمهوری برقرار است. از ۲۷ کشور مسلمان ۹ کشور سطح توسعه انسانی بالایی دارند که اکثر آنها جزء کشورهای نفت خیز خاورمیانه هستند.

بیماری کرونا به واسطه مورد هجوم قرار دادن مهم‌ترین حق طبیعی کنشگران اجتماعی یعنی حق حیات، به‌عنوان عامل قدرتمندی، کنشگران اجتماعی را به مقاومت و هنجارشکنی و کاهش ریسک خطر مرگ واداشت. به‌گونه‌ای که به‌رغم شرایط نامساعد اقتصادی و نبود امنیت وجودی، ظهور گرایش به تغییر ارزش‌ها برای رسیدن به امنیت جانی دور از انتظار نخواهد بود. بر این اساس، در بررسی تأثیر سیاسی-فرهنگی بیماری کرونا در کشور ایران با استناد به نظریه‌های تغییرات ارزشی اینگلهارت و جامعه انضباطی فوکو سعی شد به سؤالات پژوهشی تحقیق پاسخ داده شود.

روش تحقیق

در این مطالعه سعی شده به روش کیفی مبتنی بر نظریه‌مبنایی و نمونه‌گیری نظری با استناد به مشاهدات همراه با مشارکت محقق در مراکز درمانی (بیمارستان آیت‌الله کاشانی شهرکرد و بیمارستان‌های خانواده و آیت‌الله کاشانی اصفهان) و ثبت مشاهدات، مراسم سوگواری (شب‌های قدر که در اکثر شهرها مجازی برگزار شد)، مناسبت‌ها و اعیاد مذهبی و کنش‌های اجتماعی روزمره و همچنین استفاده از داده‌های مستخرج از فضای مجازی به‌ویژه گروه‌های واتساپی، کانال‌های تلگرامی و صفحات شخصی اینستاگرام به سؤالات پژوهشی تحقیق پاسخ داده شود. واحد ثبت کنش‌های افراد، کلیپ‌های تصویری و متون منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی تلگرام، واتساپ و اینستاگرام می‌باشد. جامعه آماری شامل چهار گروه کنشگر کادر درمان، متولیان دینی، مسئولان حکومتی و عموم مردم است. نمونه‌گیری تحقیق از نوع نظری است به این صورت که در هر یک از چهار گروه مذکور در ابتدا بر اساس کدگذاری باز اولیه کنش‌های مشاهده‌شده شهروندان، مفاهیم مرتبط با کنش‌های آن گروه انتخاب و با بهره‌گیری از داده‌های فضای مجازی، تلویزیون و مشاهدات مجدد، اشباع نظری حاصل شد و مفاهیم محوری برگزیده گردید. در این راستا کنش‌های هر گروه، چه به‌صورت مستقیم و در فضای مشاهده‌ای فیزیکی و چه به‌صورت متون تصویری و یا کلامی در فضاهای رسانه‌ای اعم از رسانه رسمی تلویزیون و شبکه‌های مجازی، به‌طور جداگانه کدگذاری گردید. کدگذاری‌های هر گروه در سه مرحله باز،

محوری و گزینشی انجام شد. در مرحله اول (کدگذاری باز) مفاهیم و عاملیت‌ها شناسایی گردید، در مرحله دوم (کدگذاری محوری) مقولات کنش و در مرحله نهایی با تجمیع مفاهیم حاصل از کدگذاری‌های محوری و گزینشی، استراتژی‌ها و پیامدها استخراج گردید.

جدول ۱. مهم‌ترین مفاهیم مستخرج از کدگذاری محوری و گزینشی به تفکیک گروه‌های کنشگر

Table 1. The most important extracted concepts from sectional and axial coding, based on agents groups

مفهوم نهایی	مفاهیم محوری	گروه
حفظ قدرت سیاسی و دینی	پنهان کاری، ارجحیت سیاست بر مردم، ارجحیت دین بر سلامت مردم	مسئولان حکومتی (دولت)
نقد عملکرد دولت، تغییر ارزش‌ها	بی‌اعتمادی به دولت، نارضایتی از دولت، اعتماد به تجربیات جهانی، هنجارشکنی	مردم
قدرت یافتن طب سنتی اسلامی	بهره‌گیری از ضعف علم نوین در مقابله با کرونا، به چالش کشیدن علم پزشکی، بهره‌گیری از دولت	متولیان دینی (دین)
عمل حرفه‌ای	دفاع از حیثیت حرفه‌ای، عمل به تعهدات حرفه‌ای	کادر درمان (علم پزشکی نوین)

اطمینان‌پذیری کدگذاری مبتنی بر نظر همکاران متخصص علوم اجتماعی و رسانه‌ای می‌باشد. مفهوم نهایی استخراج‌شده از کنش‌های کنشگران اجتماعی (پیامد) در مقابله با بحران کرونا و شرایط ساختاری نابسامان اقتصادی، عرفی سازی دینی می‌باشد. مدل نهایی یافته‌ها و نظریه پدیدار شده، نیز بر اساس مدل ۶c ارائه گردیده است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق صورت گرفته در سه بخش؛ ۱- توصیف همه‌گیری کرونا ۲- برهم‌کنش عاملیت‌های اصلی دوران همه‌گیری کرونا؛ دولت، دین، علم پزشکی نوین و مردم ۳- مدل علی نهایی، ارائه می‌گردد.

• گسترش بیماری همه‌گیر و برهم زنده نظم غالب - کرونا در ایران

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در بازه زمانی گسترش کنترل نشده بیماری کرونا، در فضای عمومی جامعه ۱۹ مطرح بود، دموکرات بودن ویروس کووید ۱۹ بود. کرونا محدود به طبقه، جنسیت، قومیت، سن و حتی شغل خاصی نبود و بدون اعمال تبعیض همه را مورد هدف قرار می‌داد. ظاهراً این ویروس یا بیماری علاوه بر عدالت توزیعی که در توزیع خود داشت و همه گروه‌ها و اقشار را شامل شد، در برخی زمینه‌ها چون پوشش اختلاط گروه‌های جنسی در مکان‌های بهداشتی و اجرای حرکات موزون و اجرای دیجی‌های موسیقی تابوشکنی کرد و به نوعی آزادی‌بخش بود. همچنین در کشورهای دینی چون ایران کرونا ویروس همچون مارتین لوتر برخی آموزه‌های دینی را به چالش کشید. از آنجایی که حکومت ایران حکومتی مذهبی است در حقیقت کرونا ویروس با عدالت‌خواهی و آزادی‌طلبی و ایجاد چالش مذهبی قدرت حکومتی و سیاست را به چالش کشید، هرچند هنوز کارکرد مثبت یا منفی این شیوه عمل مورد بحث و اجماع صاحب‌نظران اجتماعی و سیاسی قرار نگرفته است ولی اثرات اجتماعی آن، از روابط اجتماعی بین فردی تا روابط بین مردم و دولت، نمایان است. شاید دولت ایران پس از چند ماه استیصال توانست بحران مرگ‌ومیر را کنترل نماید، اما عملکرد ضعیف دولت در ابتدای شیوع بیماری کرونا، به‌ویژه عدم توجه جدی به پیشرفت کرونا در سایر نقاط جهان و احتمال ورود آن به ایران در ۷۰ روز نخست^۱، اثرات منفی قابل‌تأملی بر اعتماد مردم نسبت به دولت بر جای گذاشت.

• برهم‌کنش کنشگران اصلی دوران همه‌گیری کرونا؛ دولت، دین و علم

پزشکی نوین

ورود ویروس کووید ۱۹ و متعاقب آن بحران وسیعی که همه ابعاد نظام اجتماعی و به شکل بارزی خرده نظام‌های سلامت، اقتصاد، سیاست و فرهنگ را در بر گرفت، سبب چالش،

۱. مراجعه شود به پیوست روزشمار ۷۰ روز نخست پاندمی کرونا

کنش - واکنش‌های تدافعی و یا تهاجمی بین عاملیت‌های اصلی این بحران (دولت، مذهب، نظام سلامت و مردم) شد. به چالش کشیدن مشروعیت دولت دوازدهم، آغازی برای تغییر و گذار از ارزش‌های فرهنگی و متعاقب آن تقویت عرفی شدن دین بود. در فرایند کدگذاری‌ها گزینشی کنش‌های چهار عاملیت دولت، مذهب، نظام سلامت و مردم، استراتژی‌های این عاملیت‌ها کشف و استخراج گردید که در ادامه ارائه می‌گردد.

۱. بحران مشروعیت دولت دینی

اگر به روز شمار کرونا در ایران مراجعه شود، دیده می‌شود اولین مورد گزارش کرونا و شیوع آن در شهر مذهبی قم بود. گسترش کرونا از شهر مذهبی قم به شهرهای تهران، کاشان و سپس شهرهای شمالی کشور و بیماری شخصیت‌های مذهبی و سیاسی نقطه آغاز پرسشگری‌های سیاسی-مذهبی بود؛ چرا دولت مانع ورود طلبه‌های مسلمان چینی به شهر قم نشد؟ چرا دولت پنهان‌کاری نمود و شیوع بیماری را کتمان نمود؟ چرا دولت شهر مذهبی قم را قرنطینه نکرد؟ چرا هواپیمایی ماهان علی‌رغم شیوع بیماری در کشور همچنان پروازهای ایران - چین را ادامه داد؟ چرا شخصیت‌های مذهبی آگاه از علم طب سنتی اسلامی، مغلوب کرونا شدند؟ چرا شخصیت‌های سیاسی علی‌رغم دسترسی به امکانات ویژه پزشکی، مغلوب کرونا شدند؟ این پرسشگری‌ها هم قدرت سیاسی و مشروعیت دولت را به چالش کشید و هم قدرت شفابخشی طب سنتی مذهبی را.

رسمی بودن دین اسلام در کشور ایران، بیانگر ارتباط تنگاتنگ دولت - دین و نهادهای سیاست - دین است. البته در کشور ایران، نه تنها دولت دینی است بلکه کل نظام و جامعه اعم از سه قوه و مردم دینی هستند. در ایران زیر نفوذ نهاد دین، دولت از طریق قانون‌گذاری و مصوبات، تصمیماتی می‌گیرد و از طریق مجلس و شورای مصلحت نظام، این تصمیمات دولتی را به لحاظ دینی نافذ می‌کند (Bruce J. Cohen, 1993:160). حکومت کاملاً دینی است و نهاد دین غالب‌ترین نهاد اجتماعی در کشور جمهوری اسلامی ایران است.

به‌واقع در بحران بیماری کرونا، علی‌رغم اینکه در نگاه اول به نظر می‌آید که بحران،

یک بحران علمی - سلامتی است، اما اوضاع به گونه‌ای پیش رفته است که برعکس تصور اولیه، مشروعیت نظام سلامت و پزشکی کمتر مورد تردید قرار گرفته است و در عوض مشروعیت دولت به واسطه ضعف عملکردی در ماه‌های نخست شیوع بیماری، پیوند قوی با دین رسمی، ارتباط سیاسی - اقتصادی با کشور چین و عدم ارتباط با سایر کشورهای توسعه‌یافته دچار بحران شده است؛ کالاهای بی‌کیفیت و ارزان‌قیمت چینی موجود در بازار، شکست تولید ملی و اقتصاد داخلی همواره باعث نوعی بدبینی و بی‌اعتمادی به کشور چین و کاهش اعتماد به سیاست‌های دولت در ارتباط با کشور چین گشته است. شیوع کرونا و ورود آن از کشور چین، عدم کمک‌رسانی کالا و خدمات پزشکی از سوی کشور چین، وجود داروهای بی‌کیفیت چینی در بازار و شایعه ساخت ویروس کرونا در آزمایشگاه‌های کشور چین، همه و همه در کنار اهمال دولت در موارد اطلاع‌رسانی سریع در آغاز گسترش بیماری، عدم قرنطینه شهر قم و تهیه واکسن (که جز مسئولیت‌های مدنی دولت می‌باشد) مزید بر علت شد تا تصمیمات سیاسی و روابط بین‌المللی دولت هرچه بیشتر مورد تردید قرار گیرد و در حوزه سیاست، فرایند بحران مشروعیت دولت آغاز گردد.

۲- تغییر ارزش‌های فرهنگی اجتماعی

در شرایطی که بیماری کرونا با قدرت در حال گسترش بود، از یک طرف وضعیت نامطلوب معیشتی اکثریت افراد قدرت نافرمانی مدنی اقتصادی را از آن‌ها سلب نموده بود و از طرف دیگر انحصار تصمیمات سیاسی در دست حکومت، امکان اعلام نارضایتی از برقراری / قطع روابط سیاسی با دیگر کشورها را از عامه مردم سلب کرده بود، در نتیجه بیشتر شدن فاصله دولت و مردم دور از انتظار نبود. پیش‌از این، افراد مشروعیت دولت را در غالب شکستن هنجارهای مذهبی به چالش کشیده بودند؛ چنان‌که پس از حادثه سقوط هواپیمای مسافربری در زمستان ۱۳۹۸، عکس‌های بدون حجاب رسمی قربانیان، فیلم‌های خصوصی جشن‌ها، مهمانی‌ها و مراسم‌های خانوادگی که در فضای مجازی به‌طور وسیعی منتشر شد که همگی مغایر با هنجارهای رسمی و قانونی مبتنی بر داشتن حجاب و جدایی فضاهای زنانه و مردانه بود. در مورد بحران کرونا نیز پس از حمله کرونا و قربانی شدن

افراد بسیار در استان‌های قم و گیلان، انتشار عکس‌ها و فیلم‌هایی از رقصیدن‌های پرسنل بیمارستانی، پزشک، پرستار و نیروهای خدمات در فضای مجازی شروع شد؛ کلیپ‌های رقص پرستاران در بیمارستان البرز، سورپرایز کردن پرستار در شب تولدش در بیمارستان، رقص درمانگران در بیمارستان درگیر کرونا همراه با آموزش شستشوی دست، شادی پرسنل و رقص لری در بیمارستان بعد از بهبود یک بیمار، رقص کردی درمانگران، رقص دکتر ... در بیمارستان چالوس برای روحیه دادن به بیماران کرونایی، رقص بیماران و درمانگران در بیمارستان گنجویان دزفول و در ادامه کلیپ‌هایی از آوردن دیجی‌ها در بیمارستان‌های استان‌های شمالی برای چالش رقص از جمله در بیمارستان شهر نور، مراسم سیزده به در با حضور دیجی در بیمارستان صیاد شیرازی گرگان و یا گروه‌های موسیقی سنتی محلی لری و بختیاری در بیمارستان‌ها راه افتاد. حتی در مواردی کاربران فضای مجازی ضمن تقدیر از کنش‌های انرژی‌بخش درمانگران، خواهان برگزاری کلاس‌های تخصصی رقص و حرکات موزون برای این گروه‌ها به‌ویژه پزشکان شدند. در حقیقت این رفتارهای نابهنجار انحرافی، در مقابله با نظم سیاسی - مذهبی غالب بود که منجر به تغییر ارزش‌های سنتی اجتماعی - مذهبی حاکم گردید. بحران کرونا سبب شد تا تغییر ارزش‌های فرهنگی از ارزش‌های بقاء به تغییر ارزش‌های ابراز وجود (نه مطابق نظر اینگلهارت و در طی یک ضرورت تاریخی و حصول رفاه اقتصادی بلکه در یک نافرمانی هنجاری و در جهت کاهش مشروعیت دولت و اعلام نارضایتی) رخ دهد.

در دیدگاه‌های جامعه‌شناختی مرتبط با مدرنیته، از یک طرف مهم‌ترین حقوق طبیعی انسان‌ها، حق حیات و آزادی هستند و از طرفی مهم‌ترین هدف مدرنیته (و به تبع آن توسعه اقتصادی) ایجاد فراوانی مادی و رفاه است. طبق نظریه نوسازی اینگلهارت، در جوامع توسعه‌یافته فراصنعتی، ارزش‌های اولیه بقاء (آزادی و حق حیات) به‌سوی ارزش‌های ابراز وجود تغییر جهت می‌دهند؛ اما در مورد کشور ایران شرایط متفاوت بود و علیرغم نبود سطح رفاه بالا، در دفاع از مسلم‌ترین حق طبیعی حق حیات، تغییرات جهشی در ارزش‌های فرهنگی اجتماعی رخ داد، به گونه‌ای که ارزش‌های سنتی مذهبی مبتنی بر مشیت الهی و

آزمون الهی کم‌رنک گشته و افراد در ترس از مرگ، ناامیدی و بیگانگی از دولت و سنت‌ها، به ارزش‌های ابراز وجود روی آوردند؛ بهره گرفتن از زمان کوتاه حیات (احساسی غیرواقعی) ارزش فرهنگی غالب گشت و ارزش‌هایی چون حجاب و حفظ حریم محرمیت و... کم‌رنک شد.

۳- به چالش کشیدن دین

ترس از مرگ ناشی از بیماری کرونا و فرار روبه‌جلو در مقابله با این ترس، سبب شکستن هنجارهای ممنوع و رهایی از چارچوب ساختار فرهنگی غالب گردید. رقص یا همان حرکات موزون، هنجار ممنوعه‌ای که گاه با پیگرد قانونی نیز همراه است، از جمله هنجارهای ممنوع در فضای عمومی کشور ایران است که در همه‌گیری کرونا، نه تنها شکسته شد بلکه به‌عنوان نوعی روان‌درمانی برای بیماران و حتی کادر درمانی به کار گرفته شد. در کنار بسته شدن اماکن مذهبی چون حرم حضرت معصومه، حرم امام رضا، حرم امام خمینی و حرم‌های مطهر سایر امام‌زادگان در اقصی نقاط کشور، عدم برگزاری مراسم‌های مذهبی، نمازهای جماعت و حتی نمازهای جمعه یک شروع بود برای چالش‌های بزرگ‌تر. روحانیون و اطباء سنتی مذهبی در مقابله با این هنجارشکنی و در دفاع از دین با مجوز دولت، با به‌کارگیری روش‌های درمان سنتی - مذهبی و روان‌درمانی‌های مذهبی، وارد عرصه مقابله با کرونا شدند. البته ایران در دوره قاجاریه نیز همچین وضعیتی را تجربه کرده است؛ زمانی که جمعیت زیادی در اثر عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و امکانات بهداشتی، قربانی بیماری‌های وبا و طاعون می‌شدند مبلغان مذهبی تلاش می‌کردند تا با استفاده از این اوضاع نامساعد پزشکی به تبلیغ مسیحیت پردازند (Hajian poor & Bineshi Far, 2016:84)؛ اما در بهار سال ۱۳۹۹ وضع اندکی متفاوت از قاجاریه بود؛ اینجا هدف اصلی نه نبرد با کرونا یا نبرد با پزشکی نوین بلکه دفاع از دین و دولت

بود.^۱

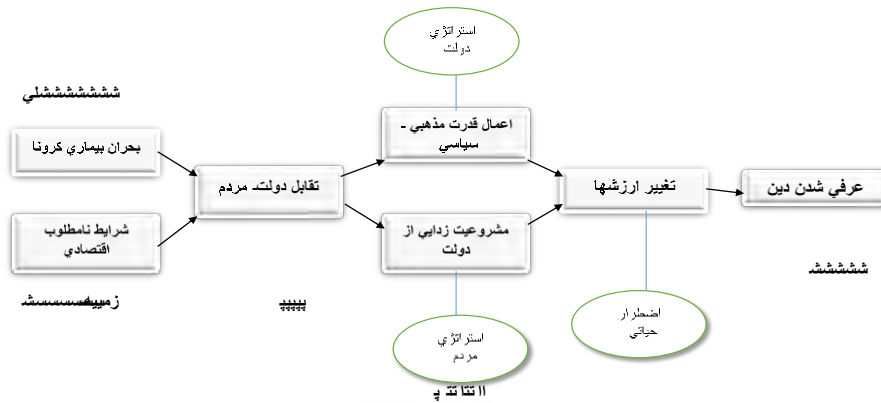
دولت هم برای رفع بحران مشروعیت خود با اتکا به اقشار مذهبی و عامه افراد دین‌باور سعی کرد با حمایت از روحانیون درمان‌گر به آن‌ها اجازه دهد تا این قشر ضمن شرکت در جلسات تخصصی سیاست‌گذاری‌های پزشکی وزارت بهداشت و بیمارستان‌ها، به‌موازات کادر درمان پزشکی در امر درمان بیماری، تدوین و مشاوره‌های روان‌درمانی در بیمارستان‌ها عمل کنند. باوجود حمایت دولت از درمان‌گران دینی و همراهی مسئولین رده‌بالای وزارت بهداشت، کنش اکثر پزشکان و تیم‌های درمانی با درمان‌گران دینی، کنشی تقابلی بود. درمان‌گران مذهبی از روش‌های سنتی گیاه‌درمانی، روش‌های دینی دعا درمانی و استعمال و زیارت پارچه‌های متبرک حرم‌های مطهر امامان معصوم و حتی برگزاری مراسم‌های جمعی دعا برای درمان بیماران مبتلا به کووید ۱۹ استفاده کردند؛ اما در خیلی از موارد، همچون درمان‌های پزشکی، درمان‌های درمان‌گران مذهبی مؤثر واقع نشد و منجر به مرگ یا وخامت حال بیماران و یا گسترش بیشتر بیماری شد. این نتایج سبب افزایش حساسیت جامعه و واکنش شدید به درمان‌های سنتی - مذهبی گردید.

حمایت دولت از درمان‌گران مذهبی، استراتژی دفاعی دولت برای دفاع از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی - سیاسی همچون مقاومت در برابر تحریم‌ها و دفاع از بنیان انقلاب و دین اسلام بود. حکومت می‌خواست با کنترل بیماری از طریق مذهب و قشر مذهبی، هم‌زمان با افزایش قدرت و مشروعیت خود به تداوم هنجارهای مذهبی حکومتی کمک کند. بااین‌وجود به نظر می‌آید دولت در این برنامه چندان موفق نبوده است.

به‌طورکلی، با توجه به یافته‌های حاصل از تحقیق حاضر می‌توان گفت دوقطبی‌های سنت / مدرنیته، مذهب / علم نوین و مردم / دولت در شرایط زمینه‌ای مشکلات وافر اقتصادی، سنتزی برای آغاز جریان عرفی‌شدن دین و آزادی‌سازی دینی در کشور ایران

۱. در فضای عمومی جامعه دولت به خاطر تلاش در گسترش نفوذ دینی خود در جهان، به واسطه حمایت مالی و اعطای بورس‌های تحصیلی به طلبه‌های مسلمان چینی و دانشجویان مسلمان کشورهای جنوب شرق آسیا و آفریقا، عامل شیوع ویروس کرونا در کشورش شناخته می‌شد.

شد. ماحصل یافته‌ها در یک مدل علی به شکل زیر قابل ترسیم است.



شکل ۲. مدل علی اثرگذاری ویروس کرونا بر عرفی شدن دینی

Figure 2. Causal model of Corona's effect on religious secularism

همچنان که در دیاگرام بالا نمایان است بحران بیماری کرونا به عنوان شرایط علی در کنار شرایط سخت اقتصادی عامه مردم و نبود امکانات مناسب پزشکی و بهداشتی (حتی ابتدایی‌ترین موارد چون ماسک، دستکش و مواد ضد عفونی کننده) به عنوان زمینه‌های ساختاری سبب شدند تا برخلاف نظریه تغییر ارزشی اینگلهارت، جامعه نه در شرایط رفاه اقتصادی بلکه در شرایط ناامیدی و اضطراب تاریخی از ارزش‌های بقاء گذر کند و به ارزش‌های ابراز وجود مبتنی بر عقلانیت و عرفی شدن دینی روی آورد. در حقیقت، این گذر بزرگ‌ترین استراتژی جامعه بود که در عین ناامیدی از دولت با شکستن هنجارهای ممنوع دینی، نادیده گرفتن مقررات دولتی خاص اماکن عمومی، اعلام نارضایتی از سیاست‌گذاری‌های سیاسی و اقتصادی دولت و فقدان بسته‌های حمایتی کارا، نظم غالب سیاسی- مذهبی و مشروعیت دولت را به چالش بکشند. در دوران بحران کرونا چهار عاملیت متفاوت در جامعه فعال بودند؛ عاملیت دولت، عاملیت رهبران و درمانگران دینی، عاملیت درمانگران متکی به علم پزشکی نوین و نهایتاً عاملیت عامه مردم. در بین این چهار عاملیت دو رابطه تقابلی آشکار بین مردم - دولت و علم پزشکی نوین - علم سنتی دینی

شکل گرفت و دو رابطه حمایتی شامل حمایت مردمی از علم پزشکی نوین و حمایت دولت از درمانگران دینی. رابطه تعاملی علم نوین و دین به شکل رابطه‌ای تقابلی و تعامل دین و دولت به شکل حمایت بیشتر دولت از دین نمایان گردید. در این میان عملکرد دولت نه تنها از سوی مردم بلکه گاه از سوی رهبران و درمانگران دینی مورد انتقاد قرار می‌گرفت و باعث بحران مشروعیت دولت شد. علاوه بر نارضایتی مردم از دولت، رابطه تعاملی مردم و علم پزشکی نوین نیز منجر به نفوذ ارزش‌های علمی و عقلانی به جامعه و کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی سنتی گردید.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ویر و کواک^۱ (2017) خاطر نشان می‌کنند می‌توان دو نوع سکولاریسم را از هم متمایز کرد: سکولاریسم سیاسی که بر جدایی دین و سیاست تأکید دارد و سکولاریسم جهان‌بینی^۲ که باورهای معرفتی و هستی‌شناسانه افراد سکولار را تشریح می‌کند. سکولاریته به مفهوم عام به همین نوع اخیر اشاره دارد یعنی مجموعه‌ای از هنجارها، حساسیت‌ها و تمایلات که ویژگی سوزدها و جوامع سکولار هستند. در این معنا سکولاریته هنوز دولتی نیست بلکه یک زمینه فراگیری است که هم شامل افراد سکولار است و هم باورمندان مذهبی؛ اما در سکولاریسم به معنای خاص سیاسی، مدیریت دولت دین بنیان است (Blankolm, 2020: 38-39) و شاید همین امر سبب می‌شود که برخی دولت‌ها سکولاریسم را به‌عنوان یک دین خاص با تعصبات خاص بپذیرند (Galadary, 2011) که البته خطرات این نیز کمتر از توتالیتاریانسم سیاسی و مذهبی نیست.

کشور ایران از جمله کشورهایی است که سیاستش بر مبنای دیانت است. در یک سال اخیر تغییرات فرهنگی در کشور در حال رخ دادن است که ممکن است دیانت بنیادی کشور را دچار مشکل کند. هرچند بیش از یک دهه است که شورای انقلاب فرهنگی سعی بر اسلامی و بومی‌سازی علوم انسانی دارد اما در دانش تکنولوژیکی و غیرانسانی چندان

1. Toddd Weir & Johannes Quack

2. WorldView

موفق نبوده است و در بحران بیماری کرونا غلبه دانش تکنولوژیکی بر علوم انسانی عیان شد. در مواجهه با بیماری کرونا، رقابت تنگاتنگی بین علم نوین و دین ایجاد شد که همچنان ادامه دارد؛ از یک سو ضعف دولت در ارائه خدمات سلامت کافی و مناسب و عدم حمایت‌های مالی از اقشار مختلف مردم برای مقابله با بیماری و از بین بردن آثار سوء آن در اقتصاد و معیشت مردم سبب بی‌اعتمادی مردم نسبت به دولت در بین اقشار مختلف شده است. از سوی دیگر به دلیل پیوستگی دولت با قشر مذهبی، بدبینی و بی‌اعتمادی نسبت به دولت به مذهب و قشر مذهبی نیز تسری یافته است و باورهای دینی موردشک و تردید قرار گرفته است چنان‌که دیده می‌شود هیچ فرد بیمار مبتلا به کرونا صرفاً به درمان‌های سنتی و دینی اکتفا نمی‌کند و بیماران کرونایی در اولین مرحله به پزشک و بیمارستان مراجعه می‌کنند. طلب شفا و سلامت از امامزادگان و اشخاص مقدس کاهش شدید یافته، شرکت در مراسم‌های مذهبی و حضور در اماکن مذهبی کاهش چشم‌گیری داشته و افراد سعی می‌کنند با رعایت نکات بهداشتی به سلامت خود و اطرافیان کمک کنند. این‌ها همه نمونه‌هایی از عقلانی شدن و فاصله‌گیری از ارزش‌های سنتی و دینی است. نوریس و اینگلهارت سکولاریسم را به‌عنوان «فرسایش سیستماتیک باورها، ارزش‌ها و اعمال مذهبی تعریف می‌کنند» (Norris & Inglehart, 2007:33). در الگوی نظری اینگلهارت، سکولاریسم باعث خدشه‌دار شدن آیین‌های جمعی در مذهب می‌گردد و در صورتی که امنیت وجودی تضمین شود، مذهب موقعیت مرکزی در زندگی فرد نخواهد داشت. در حالی که اینگلهارت و نظریه‌پردازان امنیت وجودی بیشتر بر امنیت تأکید دارند تا عقلانیت و تمایز کارکردی. استارک^۱ (2015) معتقد است سکولاریسم در نتیجه امنیت وجودی نیست بلکه این مدرنیزاسیون است که به واسطه عقلانی شدن اثر فرسایشی بر دین داشته است (Stark, 2015: 38). به‌رحال سکولاریسم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، به لطف توسعه اقتصادی، رفاه اجتماعی، توسعه انسانی و برابری اقتصادی ناشی از مدرنیزاسیون و امنیت وجودی ناشی از مدرنیزاسیون و توسعه تحقق خواهد یافت.

همچنان که در بحث جامعه مخاطره‌آمیز، مهم‌ترین خطرات جوامع سنتی و در حال توسعه، عدم امنیت جانی، فقر و تضادهای درونی است، در مورد جامعه ایرانی می‌توان گفت جامعه نه در شرایط رفاه و امنیت وجودی بلکه در شرایط اضطرار و بی‌اعتمادی سیاسی، با هنجارشکنی‌های اولیه به سوی عرفی شدن دینی سوق می‌یابد. البته هر چند در اقبال مرفه و برخوردار از امنیت وجودی این پدیده با سرعت بیشتری پیش رفته است، پیش‌بینی می‌شود در شرایط نامساعد اقتصادی و با تداوم بحران‌های مشروعیت دولت و بیماری کرونا، عرفی شدن دین و به حوزه خصوصی رانده شدن دین، منجر به کاهش قدرت جامعه انضباطی مبتنی بر دین و شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی مبتنی بر مقاومت گردد. تحریم‌های بین‌المللی و عدم دسترسی به راه‌های درمان سریع و یا واکسیناسیون در برابر ویروس کووید ۱۹، نیز مزید بر علت است و اگر همچنان ادامه یابد شاید تغییرات و رویدادهای متفاوت از جنبش‌های اجتماعی آرام رغم بخورد.

و در پایان باید گفت بر اساس مطالعه تغییرات ارزش‌های فرهنگی تسلسل و همکارانش (۲۰۰۶) در مورد مردمان کشور عراق که چهار نوع حکومت را مشخص کردند (دموکراسی اسلامی، دموکراسی سکولار، اقتدارگرایی اسلامی و اقتدارگرایی سکولار)؛ به نظر می‌آید در تغییرات ارزشی صورت گرفته در کشور ایران نیز تمایل به دموکراسی بیش از اقتدارگرایی است و بحران کرونا سبب شد تا گرایش به دموکراسی سکولار تا حدودی قوت بگیرد. در همه جوامع، هر زمان اراده جمعی جامعه‌ای در راستای تغییرات ارزشی شکل بگیرد، شکل تعامل دولت و برخورد با اراده جمعی می‌تواند مسیر تاریخی جامعه را مشخص کند و در بحبوحه کنونی نقش دولت ایران در غلبه نوع حکومت و تغییرات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که با جرعه یک عامل سلامتی آغاز شد حائز اهمیت فراوان است.

سپاسگزاری

از همکاری و همراهی مسئولین و کادر درمان بیمارستان‌های آیت‌الله کاشانی شهرکرد،

کرونا و سکولاریسم: تحلیل رابطه مذهب، علم و سیاست در مواجهه با...؛ حمیدیان | ۲۰۹

الزهره و آیت‌الله کاشانی اصفهان سپاسگزارم. از استاد بزرگوار دکتر محمدحسین پناهی که با راهنمایی‌های ارزنده باعث غنای این مقاله گردیدند سپاسگزارم.

ORCID

Akram Hamidian  <http://orcid.org/0000-0003-2678-6972>



References

- Ahangari, A., Rezaei, R. (2011). "A Study of the Causal Relationship between Democracy and Economic Growth Using Composite Data" [in Persian], *Economic Modeling Quarterly*, Fifth Year, No. 113, Spring 2011, pp. 47-65
- AhmadPour, A. (2020). "Human Reading from Religion: Evaluating of Mohammad Mojtahed Shabestari's Point view" [in Persian], *Religion Philosophy Quarterly*, 17(3), 346-360
- Bafandeh Imandoost, S, Montazeri S, Paydar R. (2013). "A Study of the Relationship between Democracy and Human Development in OPEC Member Countries" [in Persian], *Journal of Economics and Regional Development*, 20th Year, Volume 5, First Half, 2013
- Barry, S. (2006). "*Michel F*", translated by Leila Afshani and Hassan Chavoshian, Tehran, Book Amad Publications
- Bentrer, D, Boukrou, N. (2021). "Corona and Social Inequalities in France (Pandemic Anomy)", *Rimak International Journal of humanities and Social Sciences*, January 2021, Volume 3, Issue 1, p. 434 -448
- Blankholm, J. (2020). "What Comes After the Critique of Secularism?: A Roundtable Remembering Marx's Secularism", *Journal of the American Academy of Religion*, March 2020, 88(1), pp. 35-57
- Cohen, B. (1993). "*Fundamentals of Sociology*", translated by Gholamabbas Tavassoli and Reza Fazel, Tehran, Samt
- Cragun.T. Ryan. (2015). "*Science and Religion, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*", 2nd edition, Volume 21, Elsevier Ltd.
- Foucault, M. (2009). "*The Order of Things*", translated by Niko Sarkhosh & Afshin Jahandideh [in Persian], Tehran Ney Publishing
- Hajianpoor H, Bineshifar F. (2016). "The Role of Religious Missionaries in the Development of Medicine in the Qajar Period", [in Persian], *Quarterly Journal of Medical History*, Year 8, Issue 26, Spring 2016 [in persian]
- Hameed, Filza, Mudassar Anwar Muhamad, Iqbal zafar. (2021). Corona Virus: An Islamic Perspective, *Pakistan Social Sciences Review*, March 2021, 5(1), PP16-22
- <http://shahrvand-newspaper.ir/> Shahrvand Newspaper, No. 668, Monday, September 21, 2015
- Hazrati Razlighi, M. A., Javdani Moghaddam, M., Salehi Khansari, S. M. (2021). "Investigating the Impact of Coronavirus on the Crisis Environment in the Political Systems of Islamic World with Emphasis on the Middle East" [in Persian], *Islamic Awakening Quarterly*, Tenth Year, 3(21), 129-155, DOR: 20.1001.1.23225645.1400.10.3.5.9

- Inglehart, R, Pippa, N. (2004). "*Sacred and secular*", translated by Maryam Veter [in Persian], Tehran, Kavir Publications
- Inglehart, Ronald, Welzel, Christine. (2010). "*Renovation of Cultural Change and Democracy*", translated by Yaghoub Ahmadi[in Persian], Tehran, Kavir Publications
- Javadi Amoli, A. (1993). "*Sheriat in Knowledge`s Mirror*" [in Persian], Tehran, Raja Cultural Center
- Marx, K. (2002). "*On the Jewish Question, A Step in the Critique of Hegel's Philosophy of Right*", translated by Morteza Mohit[in Persian], Tehran. Akhtaran Publications
- Miller, James. (2020). "*The Coronavirus, Human, Social and Political Implications*", Springer Nature Singapore Pte Ltd.
- Mohseni, M. (1997). "*Sociology of Medicine*", first edition 1997, Tehran, Tahoori Publications[in persian]
- Nash, K. (2001). "*Contemporary Political Sociology*"; Globalization, politics, power. Translated by Mohammad Taghi Delfrooz[in Persian], Tehran, Kabir Publications
- Nemati, H, Ansari, M. (2021). "Good Governance as a Political Category for Health (Corona Crisis Conditions)" [in Persian], Applied Politics, *Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS) Biannual Journal*, 3(1), Spring and Summer 2021, 251-274
- Pippa, Norris, Inglehart, R. (2007). "*Uneven Secularization in the United States and Western Europe*," in Democracy and the New Religious Pluralism, ed. Thomas Banchoff (New York: Oxford University Press, (2007).
- Pew Research Center. (2017). "*many country favor specific religions, officially or unofficially*", Oct 03, 2017
- Sheykhzadeh, H. (2019). "How governments face the covid 19 pandemic and the impact of this crisis on redefining the government's authority and responsibilities" [in Persian], *Safe power Studies Biannual*, Ninth Year, 2(21), 31-60, DOR:20.1001.1.23225580.1398.9.2.2.8
- Soltan Mohammadi, H. (2021). "How Spirituality Affects Prevention and Treatment in the Case of Covid 19" [in Persian], Applied Politics, *Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS) Biannual Journal*, 3(1), Spring and Summer 2021, 87-111
- Soroush, A. (2007). "*Qabz va Bast e Teoric Shariat- Nazariyeh Takamol e Marefat*" [in Persian], Talayeh Publication, Tehran
- Stark, R. (2015). "*The Triumph of Faith: Why World is More Religious than Ever*", Wilmington, Delaware: ISI Books, 2015
- The Author(s). (2020). Global Social Policy Digest, 20.3 and COVID-19: Global social or 'corona' policies and governance?, *Global Social Policy* 2020, 20(3) 412-449.

پیوست ۱. روزشمار کووید ۱۹

- ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹؛ برابر با ۱۰ دی ماه ۱۳۹۸؛ در چین چند نفر به یک بیماری مشابه با علائمی شبیه ذات‌الریه سوریه دچار شدند.
- اول ژانویه ۲۰۲۰؛ برابر با ۱۱ دی ۱۳۹۸؛ شروع به کار گروه پشتیبانی مدیریت حوادث سازمان بهداشت جهانی؛
- ۱۰ ژانویه ۲۰۲۰؛ برابر با ۲۰ دی ۱۳۹۸؛ ارسال بسته اطلاعاتی از طرف سازمان بهداشت جهانی به کشورها؛
- ۱۱ ژانویه ۲۰۲۰؛ برابر با ۲۱ دی ۱۳۹۸؛ نخستین مرگ بر اثر بیماری ناشناخته در چین گزارش شد.
- ۲۰ ژانویه ۲۰۲۰؛ برابر با ۳۰ دی ۱۳۹۸؛ چند کشور اروپایی و آمریکا گزارش چین را تأیید کردند.
- ۲۲ ژانویه ۲۰۲۰؛ برابر با اول بهمن ۱۳۹۸؛ جلسه کمیته اضطراری سازمان بهداشت جهانی تشکیل شد.
- ۲۳ ژانویه ۲۰۲۰؛ برابر با دوم بهمن ۱۳۹۸؛ همه شهرهای چین ارتباط خود را با شهر ۱۱ میلیونی ووهان قطع کردند.
- ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰؛ برابر با ۱۱ بهمن ۱۳۹۸؛ در چین، ۹ هزار و ۸۰۰ نفر به بیماری جدید مبتلا شدند و ۲۱۳ نفر بر اثر آن جان باختند. آمریکا سفر به چین را لغو کرد.
- دوم فوریه ۲۰۲۰؛ برابر با ۱۳ بهمن ۱۳۹۸؛ یک مرد ۴۴ ساله در کشور فیلیپین با علائمی مشابه بیماران چینی درگذشت. نخستین مورد مرگ بر اثر بیماری در خارج از چین؛
- ۵ فوریه ۲۰۲۰؛ برابر با ۱۶ بهمن ۱۳۹۸؛ ۳ هزار و ۶۰۰ نفر در یک کشتی کروز گردشی در ژاپن قرنطینه شدند.

۱ برگرفته از مقاله دکتر ابراهیم انصاری با عنوان جامه شناسی پسا کرونا، در مقدمه کتاب تبیین نظری هفت مساله اجتماعی نوشته جان دی کارل، ترجمه اکرم حمیدیان، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان

- ۷ فوریه ۲۰۲۰؛ برابر با ۱۸ بهمن ۱۳۹۸؛ پزشک چینی، دکتر لی لیانگ، بر اثر بیماری جان باخت.
- ۱۱ فوریه ۲۰۲۰؛ برابر با ۲۲ بهمن ۱۳۹۸؛ ویروس ناقل بیماری، رسماً به نام کووید ۱۹ نام گذاری شد.
- ۱۴ فوریه ۲۰۲۰؛ برابر با ۲۵ بهمن ۱۳۹۸؛ بیماری به اروپا رسید. فرانسه نخستین مرگ در اروپا را گزارش کرد.
- ۱۹ فوریه ۲۰۲۰؛ برابر با ۳۰ بهمن ۱۳۹۸؛ پس از دو هفته قرنطینه و آزمایش مجدد، ۴۴۳ نفر از ۳ هزار و ۶۰۰ نفر سرنشینان کشتی ژاپنی سالم بیرون آمدند.
- ۱۹ فوریه ۲۰۲۰؛ برابر با ۳۰ بهمن ۱۳۹۸؛ رسماً کرونا به ایران رسید و بیمارستان مسیح دانشوری دو مورد ابتلا به بیماری را گزارش کرد.
- ۲۲ فوریه ۲۰۲۰؛ برابر با ۱۳ اسفند ۱۳۹۸؛ لغو پروازها در ایران و انتشار پیام‌ها درباره کرونا؛
- ۲۳ فوریه ۲۰۲۰؛ برابر با ۱۴ اسفند ۱۳۹۸؛ سریع‌ترین رشد ناگهانی در اروپا از ایتالیا شروع شد. جمعیت مبتلایان در ایتالیا از ۵ نفر به ۱۵۰ نفر رسید.
- ۲۴ فوریه ۲۰۲۰؛ برابر با ۱۵ اسفند ۱۳۹۸؛ ایران به جایگاه دومین کشور مبتلا از لحاظ جمعیت در دنیا رسید و در کمتر از یک هفته، رسماً ۶۱ نفر مبتلا و ۱۲ فوتی داشت. در این تاریخ، ایران بعد از چین دومین کشور مبتلا گزارش شد. به همین دلیل، بقیه کشورها ایران را سبب انتقال کرونا به کشورهای دیگر، از جمله عراق، افغانستان، بحرین، کویت، عمان، لبنان، عربستان، کانادا و آمریکا دانستند. در سطح جهانی نیز، سرفه‌های مشکوک ایرج حریرچی، معاون وزیر بهداشت، در مصاحبه خبری مورد توجه قرار گرفت.
- ۲۶ فوریه ۲۰۲۰؛ برابر با ۱۷ اسفند ۱۳۹۸؛ نخستین ابتلا در آمریکای لاتین (برزیل) گزارش شد.

- ۲۸ فوریه ۲۰۲۰؛ برابر با ۱۹ اسفند؛ سازمان بهداشت جهانی رسماً کوید ۱۹ را یک بیماری همه‌گیر (Pandemic) توصیف کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: حمیدیان، اکرم. (۱۴۰۰). کرونا و سکولاریسم: تحلیل رابطه مذهب، علم و سیاست در مواجهه با بحران بیماری کوید ۱۹ در کشور ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۸(۹۵)، ۱۸۳-۲۱۴.

DOI: 10.22054/qjss.2022.58558.2349



Social sciences is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...